



تبادل فرهنگی؛ راهها و تنگناها

گفتگو با دکتر بیانکو مالیا اسکار چيلا استاد اسلام‌شناسی دانشگاههای ایتالیا

کشیان
: لطفاً مختصری
در باره زندگی و پیشینه فعالیت‌های
تحصیلی و پژوهشی که داشته‌اید،
صحبت بفرمایید؟

بیانکو مالیا اسکار چيلا: من به سال ۱۹۳۸ در
شمال ایتالیا در محلی به نام «اوستا» که در نزدیکی
سوئیس و فرانسه است، متولد شدم. در آنجا اقلیتی
وجود دارد که هم فرانسه و هم ایتالیایی صحبت
می‌کنند، یعنی ارتباطشان با فرهنگ فرانسه زیاد است.

تحصیلات متوسطه خود را آنجا انجام دادم و از آنجا به
«ناپل» رفتم که در آن دوران بزرگترین دانشگاه ایتالیا
برای خاورشناسی بود. این دانشگاه همچنین
قدیمی‌ترین دانشگاهی بود که این رشته در آن تدریس
می‌شد. ابتدا تنها خاور دور در آنجا تدریس می‌شد.

بعدها یک قسمت مربوط به تدریس خاورمیانه نیز
راه‌اندازی شد، همچنین تاریخ اسلام. فرصت خوبی بود
که تاریخ اسلام در دو قسمت سنی و شیعه نیز در آنجا
تدریس شود. آن زمان، بین سالهای ۵۷-۱۹۵۶ تا
سال ۱۹۶۱ در دانشگاه‌های مختلف اروپا از شیعه
بسیار کم صحبت می‌شد؛ زیرا آنها بیشتر کشورهای
اروپایی بودند که در کشورهای مسلمان نقش

تمدن عظیم اسلامی به عنوان یکی از حرکت‌های غالب فرهنگی در
تمدن‌های بزرگ بشری، میراث‌دار ارزشهای سترگی بوده است که در عین
اقتباس از دست‌یافته‌های گرانسنگ تمدن‌های کهن مصر، هند، ایران، و
دیگر ممالک قدیم آسیای صغیر، جریان‌ساز حرکت‌های بزرگی چون: ایجاد
تحولات علمی - فرهنگی در عرصه‌های جهانی؛ زمینه‌ساز ایجاد رنسانس
اروپایی؛ شناساندن آثار تمدن فراگیر اسلامی از طریق جنگ‌های صلیبی؛
پیوند اقوام مختلف؛ و نفوذ عمیق روحی و معنوی در میان جوامع مسلمان و
غیر مسلمان؛ بوده است.

در گذر سالیان (به تعبیری از آغاز عهد صفویه) حساسیت و هشجاری
جوامع غرب در شناخت ماهیت کلی اسلام و نیز تشخیص مؤلفه‌ها و
ارزشهای درونی تمدن اسلامی، صرف‌نظر از عملکرد جدی و دقیق غرب برای
رخنه تدریجی در فرهنگ‌های بشری و دیگر مطامع استعماری، در جهت
دستیابی به مهم‌ترین وجوه ممیزه تمدن اسلامی و نیز فرهنگ ایرانی - به
عنوان مفهوم مرکزی از اساسی‌ترین خصایص تمدن شرقی - بوده است.

لیکن آنچه در آگاهی به شیوه‌های نفوذ غرب و خنثی‌سازی اسلوب‌های
بداندیشانه و غیر انسانی آن مهم به نظر می‌آید، برخورد با غرب در مدار
مواضع فرهنگی است و نیز بهره‌جویی از دست‌یافته‌های انسانی و علمی آن
و همچنین تشخیص کیفیت و میزان شناخت غرب از ماست.

در این مجال، در ادامه بحث‌هایی که با مستشرقین خارجی و
غرب‌شناسان ایرانی داشته‌ایم، به صحبت با یکی از شرق‌شناسان خارجی
پرداخته‌ایم که متن آن از نظر تان می‌گذرد.

استعماری داشتند. در سال دوم، دانشگاه مرا به مصر فرستاد. در آنجا کمی‌درس خواندم، کمی عربی، و کمی دروس مربوط به اهل سنت. در سال چهارم مرا به ایران فرستادند. در ایران یک سال ماندم و در دانشگاه تهران درس خواندم، ولی آن زمان دانشگاه الهیات برای خانم‌ها برقرار نبود و من از طریق چند نفر از دوستانم - که هنوز آنها را به یاد دارم - مطالعه می‌کردم؛ و بعد هم برگشتم. شاید برای شما جالب باشد اینکه من تز لیسانس خود را دربارهٔ زیارت امام رضا (ع) نوشتم، یعنی در مورد چگونگی زندگی امام رضا و آن چیزهایی که دربارهٔ ایشان نوشته شده بود. و همچنین دعا، چون بیشتر دعاها به عربی هستند. در سال ۱۹۶۸ دکترایم گرفتم و تز دکترایم من دو موضوع داشت. از آن یک کتاب چاپ کردند. در آن راجع به «جهاد» در سنت و در آداب شیعه بحث کرده‌ام و نیز دربارهٔ «علم الرجال» که برای ما اهمیت داشت.

اولین کار من در دانشگاه در سال ۱۹۶۸ بود که استادیار بودم. در سال ۱۹۷۵ به استادی رسیدم. تا پیش از انقلاب اسلامی پی در پی به ایران می‌آمدم، تقریباً هر دو سال یک بار.

بعد از انقلاب دو بار به ایران آمدم، یکی در سال ۱۹۸۱ چند روز پیش از جنگ، و یک بار هم در سال ۱۹۸۵ که زمان جنگ بود. این برای من به عنوان یک تجربه بسیار مهم بود، ولی از لحاظ کاری کمی مشکل می‌نمود. بنابراین، چند سالی یک بار می‌آمدم، چون فکر می‌کردم کار در اینجا مهم باشد. اکنون هم امیدوارم که دوباره به طور مرتب بتوان در اینجا کار کرد.

جدا از کتابهایی که اشاره کردم، آثار دیگری هم دارم. البته برای من تفاوت زیادی وجود دارد بین کتابهایی که برای مردم عادی با سطح پایین فرهنگی نوشته می‌شود و کتابهایی که به صورت علمی تألیف می‌شوند. من به صورت علمی تمام مدارکی را که در تمام قرن دربارهٔ شاه اسماعیل اول صفوی وجود داشت گرد آوردم. شخصی که تمام این مدارک را جمع‌آوری کرده، مردی به نام سانودوست که اهل و نیز بود.

من این مدارک را مرتب کرده و سپس چاپ کردم.

همچنین مقالات زیادی نوشته‌ام که بیشتر به زبان ایتالیایی است. چندتایی هم به دیگر زبانها نوشته‌ام که به من گفته‌اند برخی به فارسی ترجمه شده است. در کتاب «تاریخ ایران» که از سوی مؤسسه «کمبریج» تهیه شده، در جلدی که مربوط به عباسیان است و در جلدی که مربوط به صفویه است، من دربارهٔ مذهب و دین صحبت‌هایی داشته‌ام که هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی موجود است. در «دایرةالمعارف اسلام»

که برای متخصصین بسیار معروف و مهم است هم چند مطلب نوشته‌ام، و مقالاتی در بیشتر مجلات علمی دنیا نیز به چاپ رسانده‌ام. و یک کتاب دیگر به نام «دنیای اسلام» دارم که به عربی ترجمه شده است و قسمتی از آن دربارهٔ اسلام است و قسمت دیگر آن به مسایل اسلام

در جهان کنونی مربوط است، مانند زن، فلسطین، ایران، انقلاب و...

کتاب دیگری که با همکاری دو نفر دیگر نوشتیم، دربارهٔ تاریخ فلسطین بود. قسمت مربوط به من از دوره اسلامی شروع می‌شد تا سال ۱۹۴۸ و دو نفر دیگر دوره رم و دورهٔ یهودی‌ها را نوشتند. این کتاب که به فرانسه ترجمه شده یک کتاب مخصوص است، زیرا یک کتاب تاریخی است و کوشش ما بر این بوده که تاریخ کشور باشد، نه تاریخ مردم. به طوری که چند موضوع سیاسی را خیلی روشن بیان می‌کند. و نام کتاب آخر که چاپ شده است، «شیعه در دنیا» می‌باشد. در این کتاب که کتاب بزرگی است من تاریخ گروههای مختلف شیعه در کشورهای مختلف را نوشته‌ام. یعنی ترجیح دادم که نشان دهم شیعه مانند سلسله و زنجیر همواره در اسلام بوده است.

کتابخانه

با توجه به آثار و

مطالعاتی که دربارهٔ مذهب شیعه داشته‌اید، حیات فرهنگی تشیع را در دنیا و به ویژه در ایران کنونی چگونه می‌بینید؟

اسکار چیلا: نزدیک به ده سال است که در ایران نبوده‌ام و اکنون برای دریافت همین موضوع به ایران آمده‌ام و به واقع می‌خواهم بدانم چه فعالیت‌ها و کارهایی شده است. اما به طور کلی نظرم آن است که تشیع در ایران حیات قدیمی دارد. خواب من به آن روزنامه‌ها که برای مثال دربارهٔ لبنان می‌گفتند: شیعه در آنجا مانند یک قسمت از حزبهای ایران است، این بود که این حرف درست نیست؛ زیرا شیعه از اول آنجا وجود داشته است. یا برای مثال در عراق، با اینکه خیلی با ایران مربوط بوده؛ ولی بعضی اوقات از ایران برای تاریخ شیعه مهم‌تر بوده است.

در این باره چیزهایی نوشته‌ام راجع به محمد باقر صدر که تأثیر کتابهای ایشان نه فقط در عراق و لبنان و ایران، بلکه به طور کلی در جهان اسلام بوده است. آن کشورها که من برای تحقیقات انتخاب کرده‌ام، لبنان،

عربستان، بحرین، عراق، ترکیه و یک مقدار از شام در سوریه بوده، زیرا در شمال شام هنوز هم روستاهای شیعه وجود دارد و همچنین در حلب که به طور کامل شیعه هستند. به ویژه شیعه امامی، چون صحبت‌هایی هم دربارهٔ زیدیه و اسماعیلیه وجود دارد ولی من بیشتر راجع به شیعه امامی کار کرده‌ام، همچنین افغانستان و کشورهای که ما به آنها آسیای مرکزی می‌گوییم، یعنی تاجیکستان، ترکمنستان و...

در پاکستان و هندوستان هم کار کرده‌ام، همچنین در آفریقای شرقی. ولی در اروپا و کانادا و آمریکا کار کمتری داشته‌ام. کوشش کردم یک نقشه درست کنم که از زوی آن بشود فهمید شیعه چیز بزرگی است و منحصر به ایران نیست. این درست است که ایران بعد

از صفویه یک جای مخصوصی در عالم شیعه داشته است، اما شیعه یک فنومن تاریخ است که از اول با ایران بوده. من در گذر ده سال گذشته خیلی به لبنان رفته‌ام. لبنان از نظر فرهنگ شیعه خیلی قوی است. در آنجا چاپخانه‌های زیادی هستند که کتب شیعه را چاپ می‌کنند، نه فقط کتب معاصر، بلکه کتب قدیمی و مابقی کتابها که خیلی مهم هستند. الان من می‌خواهم ببینم در ایران چه کارهایی شده است. در قم و مشهد هنوز لیست بزرگی از کارهای انجام شده وجود دارد و این کاری علمی است. و از نظر دیگر،

یعنی فرهنگ به طور کلی سینما، شعر و ... به نظر من ایران همیشه زنده است. همان طور که به شما گفتم می‌خواهم بروم ببینم چند فیلم تازه درست کرده‌اند. و از نظر من این طور که در خارج دیده‌ام،

ایران از نظر سینما خیلی قوی شده است و موفق بوده، از نظر شعر هم وقتی می‌گویند شاعر، یعنی ایرانی‌ها.

کتابخانه

به دنبال آثار و

نشانه‌هایی که از فرهنگ امروز ایران به شما می‌رسد، تصویری که از ایران اسلامی در غرب ارائه می‌شود چگونه تصویری است؟

اسکار چیلا: برای این سؤال من یک نمونه خوب نیستم، به سبب اینکه من در طی این مدت با سفارت ایران در رم و انجمنهای اسلامی و فرهنگی آنجا در ارتباط بوده‌ام و بدین ترتیب آگاهی کمی داشته‌ام، اما من اگر یک نفر از مردم عادی بودم، یعنی فقط و فقط از طریق رسانه‌ها می‌خواستم دربارهٔ ایران بدانم، خیلی کم و نادرست می‌دانستم. به نظر من شما باید کوشش بیشتری برای شناساندن ایران داشته باشید. می‌دانید،

ایران کشوری است که درک آن برای خارجی‌ها سخت است. من گاهی برای خودم مقایسه‌ای دارم بین ایران و ایتالیا. ایران کشوری است ثروتمند از لحاظ منابع و ایتالیا کشوری فقیر. اما تشابهات زیادی هم بین آن دو وجود دارد، زیرا در هر دو کشور تشبیهات ملی و بومی وجود دارد، که این گاهی باعث ضعف و گاهی باعث قدرت یک کشور می‌شود، اما به طور کلی در خارج از ایران، آن را یک جو نفوذناپذیر تصور می‌کنند. از سوئی

اروپا نمی‌خواهد قبول کند ایرانی‌ها از چند قرن پیش خواهان ایجاد تحولات می‌باشند. از اواخر قرن هفدهم در ایران می‌شود فهمید مردم متوجه هستند که دنیا عوض شده است و باید کاری کرد. و این چیزی است که کمتر در اروپا پذیرفته می‌شود. از این طرف، تمام کشورهایایی که اطراف ایران هستند کوشش می‌کنند این تحول شما آشکار نباشد، زیرا آنها این طور دچار تحول نشده‌اند؛ چون هرگاه تحولی در کشورهای اطراف به وجود آمده، مانند یک کودتا بوده است.

به عنوان یک زن مسیحی که با ارزشهای دینی و موقعیت زن در اسلام آشنایی دارد، زن مسلمان ایرانی را چگونه می بینید؟



اسکار چیلا: باز هم من مورد خوبی نیستم، چون من زنان ایرانی را از قدیم می شناسم. از زمان جوانی ام و فکر می کنم که زنان ایران خیلی از نظر فکری آزاد بوده اند. من کوشش کردم و در کنفرانسهای اروپایی خود نیز گفته ام که در ایران دو دنیا وجود دارد، یک دنیای مردها و دیگری دنیای زنها. ولی در غرب یک دنیا وجود دارد، دنیای زن و مرد.

اگر در دنیای ما فقط یک دنیا برای زن وجود دارد، اما در اینجا زن احتیاجی ندارد به اینکه از مرد بپرسد چطور باید فکر کند و اگر این زن بتواند کار کند و درس بخواند ممکن است به یک وسیله مهم تبدیل شود و حتی از مردها هم قوی تر بشود، زیرا زن می تواند دنیای مردها را بشناسد؛ اما مرد نمی تواند دنیای زنان را بشناسد.

از نظر آزادی عمل به نظر شما زنان ایران چگونه اند؟

اسکار چیلا: این طور که من دیدم خیلی کار می کنند، مثلاً رفته به چند مؤسسه فرهنگی، و همچنین به دانشکده های مختلف. همیشه زنها را دیدم که کار می کنند، خیلی تعجب کردم و خیلی احساس خوبی داشتم. همچنین در بازدید از یک مؤسسه در شمال که مؤسسه ای پژوهشی بود و به کار جمع آوری مدارک مربوط به قاچاریه می پرداخت. در آنجا دیدم زنان با کامپیوتر کار می کنند و نه کار اپراتوری بلکه کار برنامه نویسی. این بسیار مهم است،

زیرا تکنولوژی آینده است. و حالا که به تحقیق درباره سینما پرداخته ام، می بینم که نه فقط این زنان در غرب معروف هستند بلکه خیلی هم به کار سینما می پردازند. اگر این گونه باشد خوب است. و اینکه زنان چگونه لباس می پوشند به من ارتباط ندارد، یعنی ممکن است که این یک مسأله ملی باشد. فقط می توانم بگویم که وقتی پیش از انقلاب به ایران آمدم،

زمانی که می رفته پیش روشنفکران مذهبی، می دیدم که در کتابخانه های مساجد در آن زمان هم زنان با چادر بودند.

به نظر شما تصویریری که اسلام از زن ارائه داده چطور تصویریری است؟ اسکار چیلا: ببینید، یک بعد اسلام مانند فکر و

دین و فرهنگ است و بعد دیگر عملکرد اسلام برای مردم است و در قرآن و دیگر بیانات مذهبی، اسلام از نظر من نسبت به ادیان دیگر راجع به زن دارای پیشرفت بیشتر بوده است. از نظر چگونگی آن در جمعیت های مختلف این فرق می کند، زیرا فقط اسلام نیست و چیزهای دیگر مانند عرف و عادت هم ممکن است که شما را مجبور به انجام کاری کند. بنابراین،

وقتی از دین صحبت می کنیم صحبت از یک نظام، یک دین، و یک فرهنگ است. فکر می کنم از نظر دینی هیچ دینی نتواند ادعا کند از اسلام بهتر است، و اینکه چطور شد در جوامع مختلف بعضی از اوقات خوب نبوده و در تمام دنیا این ممکن است بدین شکل باشد.

با توجه به اینکه آشنایی کاملی با تاریخچه منطقه به ویژه کشورهای اسلامی دارید، حیات سیاسی ایران را در منطقه چگونه می بینید؟

اسکار چیلا: من که اهل سیاست نیستم، اما می توانم بگویم در تمام دنیا ایران به عنوان یک نمونه از یک دشمن قلمداد می شود و به نظر من پس از فروپاشی شوروی پیشین این مسأله بیشتر هم شده است، زیرا غرب همیشه نیازمند به یک دشمن است. اکنون اسلام دشمن شده است. کشور شما هم نامش «جمهوری اسلامی ایران» است. خوب معلوم است که یکی از دشمنان بزرگ ایران خواهد بود.

در کشورهای دیگر انقلاب شما تأثیر بزرگی داشته است، اما چیزی که من نمی دانم این است که وقتی رسانه ها و تلویزیون دروغ می گویند و در واقع آنچه که می خواهند می گویند، یک فرد عادی چگونه می تواند حقیقت را بداند؟ و نمی توان گفت او آدم باهوشی نیست، چون نمی فهمد. به او دروغ می گویند و فکر می کنم در مسیر سینما و به طور کلی فرهنگ باید بیشتر پیش رفت، زیرا ایران یک چیز بزرگ و ترکیب یافته است و باید سعی کنید دیگران این را بفهمند.

اینکه برخی معتقدند که شرق شناسی در واقع پایه و ستون تمدن جدید غرب بوده و غرب...

اسکار چیلا: می دانم، می دانم. این بحثی بزرگ است که هنوز تمام نشده، حتی در غرب و فکر می کنم این ادعا درست است. اما حتی اگر درست هم باشد نتیجه ها بد نیست. برای نمونه استفاده از آثاری که موجود بوده اند و مطالعه فهرست نسخ خطی چیز خوبی است. به نظر من حتی در نسل ما و بیشتر در بین جوانها این نیاز خیلی زیاد است.

ما می دانیم که بدون شما کاری نمی شود کرد. ما

☆ اسکار چیلا: بدون شناخت شرق کاری نمی شود کرد. ما در اینجا حکم دانشجو داریم و شما حکم استاد. با این حال امیدواریم شما هم درباره غرب بیشتر بخوانید، زیرا شما درست غرب را نمی شناسید.

☆ اسکار چیلا: فکر می کنم این ادعا درست است که شرق شناسی پایه و ستون تمدن جدید غرب بوده است.

☆ اسکار چیلا: در ایران دو دنیا وجود دارد، دنیای مردها و دنیای زنها؛ اما در غرب یک دنیا وجود دارد، دنیای زن و مرد.

در اینجا حکم دانشجو داریم و شما حکم استاد. با این حال امیدوارم که شما هم راجع به غرب بیشتر بخوانید،

زیرا شما درست غرب را نمی‌شناسید و همین‌طور بدون کمترین تفاوتی. ما هم می‌توانیم روی شرق کار کنیم، و امیدوارم که شما هم روی غرب کار کنید. اگر فکر کنیم نتیجه فرهنگ صلح می‌شود، این کار به سادگی عملی خواهد بود. این شناخت در توجیه چشم‌انداز جهانی شما نیز مؤثر خواهد بود. برای مثال وقتی که جنگ ایران و عراق شروع شد روزنامه‌های یتالیا نوشتند که ایران آغازگر جنگ بوده است، ولی

من می‌دانستم که این‌طور نبوده؛ زیرا روزهای پیش از جنگ اینجا بودم. در کنفرانس‌ها شرکت کردم برای گفتن اینکه این یک دروغ بزرگ است. و اگر من یک خبرشناس نبودم، نمی‌توانستم این کار را انجام بدهم و شاید شما می‌گفتید که این کار من نیست، چون جنگ به ما ارتباط ندارد. ولی اکنون فکر می‌کنم شما در این زمان باید بیشتر با ما کار کنید و نشان دهید که از ما بیشتر می‌دانید، و این حق شماست. من خیلی امیدوارم که در آینده دانشجویان ما نه فقط در رشته زبان فارسی، بلکه در رشته‌های تاریخ، تاریخ ایران و تاریخ شیعه و... در اینجا درس بخوانند.

کشیان

به نظر شما برای این کار باید از کجا شروع کرد؟

اسکار چیلا: به نظر من تاریخ همیشه بهترین موضوع است، زیرا در تاریخ خیلی چیزها را شما می‌فهمید. و اینکه چه چیزهایی است که تمام مردم دنیا تحت تأثیر آن قرار دارند، اقتصاد و مسأله‌ای که هر کس دارد. از دیگر سو تاریخ ماهیت اختلافات را به شما نشان می‌دهد. من ممکن است کمی «پتی میست»

(خوش بین) باشم، اما فکر می‌کنم که اختلافات و اشتباهات گذشته نباید دوباره اتفاق بیفتند. این به نظر

من مهم‌ترین چیز است. برای شناخت واقعیت‌های موجود در فرهنگ و جوامع یکدیگر من فکر می‌کنم بهترین کار این است که با هم ارتباط داشته باشیم.

برای نمونه ممکن است موضوعی که برای شما مهم است، برای ما هم مهم باشد. باید برنامه‌ای داشته باشیم تا با هم کار کنیم، و این کار امکان‌پذیر است و سخت نیست و به نظر من تهیه پول را می‌شود انجام داد. همچنین می‌توانیم در زمینه‌های مختلف مانند فلسفه و تکنولوژی تبادل نظر داشته باشیم. در دانشکده‌های فیزیک ما در رم همیشه خارجی‌هایی هستند که با هم کار کنند. چینی‌ها، هندی‌ها و شاید هم ایرانی‌ها. اما این معلوم نیست، زیرا ممکن است همه به این درجه نباشند. برای مثال ممکن است یک پاکستانی که مسلمان است در «تریست» (شهری که در شمال ایتالیاست) صاحب نوبل شده باشد، اما این همگانی نیست. بنابراین، روابط تکنولوژی خوب است و مهم، اما کافی نیست. باید روابط در علوم انسانی

بیشتر بشود، زیرا این گونه یک نفر همیشه شاگرد و یک نفر همیشه معلم است. روابط باید دو جانبه باشد یعنی شما باید تکنولوژی را از غرب بگیرید و علوم انسانی را به آنها ارائه کنید.

کشیان

آیا به هجوم فرهنگی غرب اعتقاد دارید؟ چه راه‌هایی برای رویارویی با آن پیشنهاد می‌کنید؟

اسکار چیلا: بله، این یک چیز خطرناک است و از طرفی اروپا و شرق می‌توانند در کنار هم باشند، زیرا هر دو تحت این خطر هستند که فرهنگ مخصوص این دو از بین برود. اما از آن طرف آمریکا چیزی است و اروپا چیز دیگر.

روشنفکران اروپایی خیلی به این مسأله اعتقاد دارند. باید با هم همکاری کنیم، و دانشگاهها در این باره نقش بسیار مؤثری دارند.

کشیان

در دانشگاه‌های ایتالیا برای شرق‌شناسی چند بخش وجود دارد؟

اسکار چیلا: این بخش‌ها تقریباً در تمام دانشگاه‌های ایتالیا وجود دارند، مانند بخش تاریخ خاورمیانه، یا چند زبان و یا تاریخ خاور قدیم. اما در سه شهر ونیز، رم و ناپل بخش‌های بزرگی وجود دارد. برای نمونه زبان عربی و تاریخ اسلام در پالرمو تدریس می‌شود. اما ناپل و ونیز از بخش‌های بزرگ هستند و ناپل همان‌طور که گفتم قدیمی‌ترین است و بعد از آن رم است که رم به عکس با خاورمیانه شروع کرد، بعد به شرق رسید. در رم از واتیکان ارث گرفتیم، برای مثال در رم زبان عربی از اول شناخته شده بود. ونیز هم که جدیدترین است، نزدیک به سی سال عمر دارد. اما خیلی بزرگ است و از لحاظ ادبیات فارسی ممکن است بهترین باشد. از استادان برجسته‌ای که در آنجا تدریس می‌کنند، می‌توان به فرانچسکو گابریل اشاره کرد.

کشیان

برنامه‌های درسی شما در آن بخش‌ها چگونه است؟

اسکار چیلا: سال اول درسهایی را شروع می‌کنیم، مانند قرآن، فلسفه، کمی تاریخ و اینکه چه تفاوت‌هایی بین شیعه و سنی وجود دارد. می‌خوانیم. سال‌های بعد،

یعنی سال‌های دوم و سوم یک موضوع مخصوص را معین می‌کنیم و از فرد مشخصی آغاز می‌کنیم. برای نمونه برای من موضوع «زن در اسلام و در سنت و شیعه و قرآن» و بررسی آن در چند کشور معین می‌شود.

کشیان

آخرین تحقیقاتی که درباره شرق‌شناسی در ایتالیا انجام شده و کتاب‌هایی که بیرون آمده، کدامند؟

اسکار چیلا: خیلی زیاد بوده، و این چیز بدی است که اینجا ایتالیا را کم می‌توان شناخت. می‌توانم بگویم درباره شیعه در زمان عثمانی‌ها یک کتاب چاپ شده و یکی هم درباره شیعه در دکن، در هندوستان و یکی هم زیر چاپ است در چاپخانه‌ها. در لبنان، پاریس، لندن، پاکستان و سوریه و در چند جای دیگر کتاب‌هایی زیر چاپ است و به نظر من چیز جالبی است. "reislamisation" نیز که خیلی مهم است، زیر چاپ است و یک گروه کار نویسندگی آن را به عهده داشته‌اند. یک کتاب هم درباره ایجاز در دین، و کتابی راجع به شیعه به زبان ایتالیایی زیر چاپ است و من حاضرم تبادلی داشته باشم و خوشحال خواهم شد اگر چند تا از اینها ترجمه شود.

کشیان

به طور کلی در زمینه گسترش روابط و ترجمه این آثار چه انتظاری از دولت ایران دارید؟

اسکار چیلا: سفارت یک رابط خوب است، من امیدوارم که بیشتر با هم کار کنیم. چرا از متون ایتالیایی به فارسی ترجمه نکنیم و برعکس.

کشیان

منابع کافی برای ترجمه و شناخت آثار شرق و ایران دارید؟

اسکار چیلا: به منابعی که تازه و امروزی باشد دستیابی مشکل است، همان‌طور که اشاره شد در این ده سال، تهیه این منابع نسبت به گذشته مشکل‌تر شده است. کتاب‌هایی از برخی افراد درباره آنچه ما داریم، هست مانند آثار جناب آقای حجتی که خیلی زیاد درباره آنچه ما داریم، نوشته‌اند.

کشیان

به این ترتیب بیشتر منابع شما مربوط به پیش از انقلاب است؟

اسکار چیلا: بله، البته چند چاپ جدید آمده اما کافی نیست.

کشیان

از اینکه در ایران هستید چه احساسی دارید؟

اسکار چیلا: وقتی در ایران هستم، همیشه راحت‌تر و خوشحال‌تر؛ یعنی حس می‌کنم روی نفس من تأثیر فرهنگی خوبی دارد. تا به حال که در تهران بوده‌ام، باید کمی مسافرت کنم و ایران را ببینم.

کشیان

از شما سیاست‌گزاریم.